

بس: بیدار / کمن: قدیمی

دیری: زمان طولانی / دازنای: در طول ابرمی کشد: بالامی برد، برتری

می دهد.

سپند: پاک / فر: شکوه / فریختگی: علم آموزی

داد: عدالت / آزادگان: جوانمردان / فروغ: روشنی

تیره رای: بد فکر / ارجمند: باارزش، بالامقام

حانه: قلم / پیراسته: پاک شده / آلاش: ناپاکی

ددی: و خشکری / روشن رایان: روشن فکران / گمرد: پهلوان / پردل:

شجاع / نامدار: مشهور، سرشناس

بکمان: هم نوعان / سربرمی افزایم: سربلندی کنیم، افتخار می کنیم

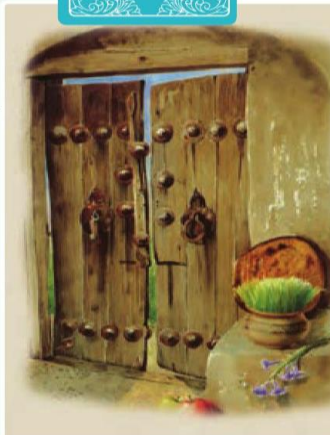
بن جان: تدول / تبار: نژاد / نژاده: اصل، با اصل / نسوه: محسنتی پذیر

مراعات نظیر: زبان و حانه / مراعات نظیر: زشتی، پستی، کاستی، نراستی، ددی

ارمغان ایران



فرزندم! هوشمند دلبندم! ایران، سرزمین ما، سرزمینی است بس کهن که دیری در دازنای تاریخ خودش، بزرگترین و آبادترین کشور جهان بوده است؛ یک آنچه ایران ما را از دیگر کشورهای نیرومند جهان، جدا می دارد و برمی کشد، آن است که کشور ما همواره سرزمین سپند فروغ و فراوانی و فرهیختگی بوده است. ایرانیان با دیگر مردمان، پیوسته به مردی و داد و دانایی رفتار می کرده اند؛ پیوسته نیست که سرزمین ما را «ایران» می نامند که به معنی سرزمین آزادگان است و آزادگان.



دشمنان تیره رای و خیره روی ما نیز به ناچار، این سرزمین را بدین نام سپند و ارجمند می نامند و ایرانیان را به پاس آزادی گشتن، بدین سان برترین و کرامی ترین ارمغان ایران به دیگر سرزمین ها، اندیشه و خرد و فرهنگ بوده است.

باری به گرانی دادند که هر پشت را خرد می کند و درهم می شکنند، مگر پشت ستبر و سبوع و نیرومند فرزند ایران که تویی!

هر آینه، می دانم که هر کس ایران را به درستی بشناسد، دل بدان خواهد باخت و جوشان و بد توان، خواهد کوشید که در آبادی و آزادی، شکوفایی و توانایی، پیروزی و بهروزی آن از هیچ تلاش و تکاپوی، بازماند و دریغ نوزد.

بدان و آگاه باش که آنچه من با تو می گویم؛ از سر آگاهی است و برآنده از باوری استوار، بدانچه تو می دانی و می باید بکنی. تویی که بر فروغ ایران خواهی افزود و چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند و تیرگی ناخوشتن شناسی و از خود بیگانه را خواهی زدود. هان و هان! خوشتن را خوار مدار! زمار این روزگار، چشم چراغ ایرانی؛ و در جهان، کرامی ترین؛ پس دل از هر گونه آلاش و گمان درباره خویش پاک ساز و برهان و بدین سخن، باور آور که فرزند ایران و پیشه فرهنگ و ادب و اندیشه را شیر شیران هستی. بخوان و بجوی و بجوی و ایران و خود را بشناس و پروردگار پاک را سپاس بگزار؛ به پاس آنکه تو را فرزند ایران برگزید.

آری، تویی که آینده میمن را درخشان خواهی ساخت.

خدای بزرگ، پشت و پناه تو و میمن؛ تن و جان تو می کند و میمنت آبادان باد!

سرفروآوردن: کنایه از تسلیم شدن / زبان به ستایش کشودن: کنایه از

صحبت کردن

گرامیم! می دانی که برترین و استوارترین ستایش آن است که بر زبان و قلم دشمن روان می شود؛ زیرا ستایشی است پیراسته از هر آلاشی. دشمنی که جز زشتی و پلشتی و کاستی و ناراستی و ددی و بدی نمی تواند و نمی خواهد دید؛ هنگامی که ایران و ایرانی را می ستاید، ناچار گردیده است که در برابر بزرگی و والایی این دو، سرفرواد آورد و زبان به ستایش بکشد.

آری، میهن شکوهند ما، این خاستگاه بخردان و دانایان و روشن رایان، این کانون روشنی و راستی، این کشور مردان گرد، یلان بددل، دلیران و شیران، پهلوانانی نادر، سرزمینی است که ما بدان می نازیم و سر از همکنان برمی افرازیم.

فرزندم! من می دانم و بی گمانم که تو ایران را از بن جان، دوست می داری؛ زیرا تو از تبار ایرانیان زاده و آزاده هستی؛ از آن پاکان که جانشان از مهر ایران، تابناک است و دلشان به نام و یاد ایران می تپد؛ از آن دانادلان خوششناس که اکنون ایران را به گذشته بد فروغ آن می پیوند. تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نسته، استوار چون کوه، می کوشند که آن گروه از ایرانیان را که از خویش بیگانه شده اند، به خویشان بازآورند و به خود بشناسانند.

ای فرزندم! مرا کمترین گمانی در آن نیست که تو ایران را دوست می داری؛ یک دوست داشتن، بسنده نیست؛ ایران را می باید شناخت تا بتوان آن را بدان سان که شایسته ست و سزاوار، به دیگران شناساند. این، باری است که بر دوش تو نهاده شده است؛

بسنده: کافی / کرانی: سکینی / ستر: قوی

دین نورزد: کوتاهی کند / خیرگی: تعجب

بهروزی: روز خوب / زودودن: پاک کردن / مان: آگاه باش

بیشه: دشت سرسبز / پوی: جستجوکن / گزند: آسیب، صدمه

یلان پردل: کنایه از پهلوانان شجاع / شیران: شیرناخ شجاعت / سربرمی افرازیم: کنایه از افتخار کردن

بن جان: کنایه از عمق دل / دلشان به نام و یاد ایران می تپد: کنایه از اینکه عاشق ایران هستند.

دل بدان خواهد باخت: کنایه از عاشق شدن

چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند: کنایه از اینکه همه را با کارهای بزرگ خود شگفت زده خواهی کرد.

چشم و چراغ ایرانی: کنایه از عزیز و محبوب بودن

دانش های ادبی

واج آرایی نغمه حروف: تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوت در شعراست، که در کلمه های یک بیت یا مصراع به گونه ای که آفریننده موسیقی دوفنی باشد و بر تاثیر

سخن بیفزاید.

خواب نوشین بامداد در حیل بازدار دپیاده راز سبیل

تکرار مصوت کوتاه

افسوس که بی فایده فرسوده شدیم وز آس پسر سرنگون سوده شدیم

تکرار صامت «س»

شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو

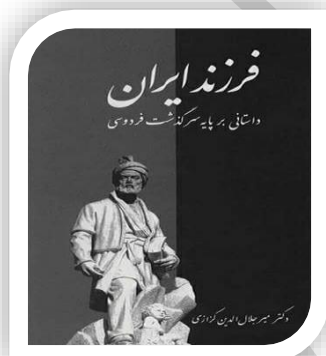
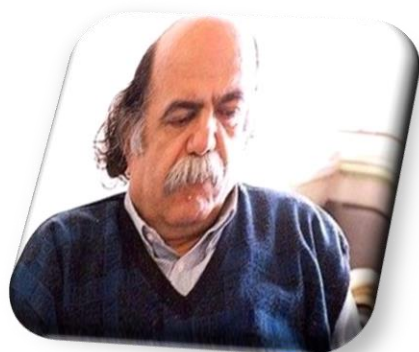
تکرار صامت «ش» و مصوت کوتاه

غرق غرقاب غرورم که چنین در غم تو غافل غوطه ور و غرقه غوص در غلم

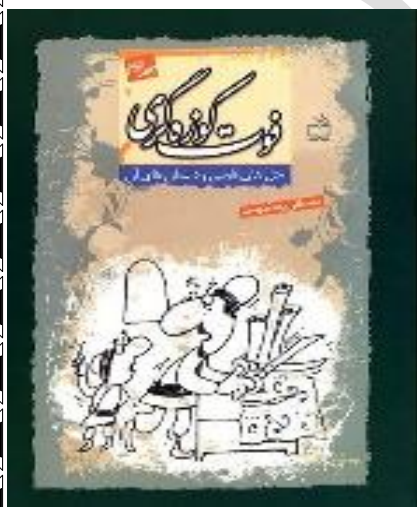
تکرار صامت «غ»

فرزند ایران: کتاب فرزند ایران اثر میرجلال الدین کزازی می باشد

کتابی است داستانی برپایه سرگذشت فردوسی که در آن زندگی نامه این شاعر را به صورت داستانی جذاب و گیرا فرام کرده است.



وقت کوزه گری: این اصطلاح زمانی به کار می رود که کسی همه چیز را برای انجام کاری می داند به جز یک نکته مهم و نهایی.



کتابی است از مصطفی رحان دوست که موضوع آن « مثل های فارسی » می باشد. مصطفی رحان دوست شاعر، قصه نویس و مترجم کتاب های کودکان است.

نکته زبانی:

هرگاه بخواهیم پسوند «ی، ان» را به واژه‌های که پایان آن با «ه» بیان حرکت ختم می‌شود اضافه کنیم باید از واج میانجی استفاده کنیم چون در زبان فارسی هیچ‌گاه دو مصوت کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند.

پرنده + ان = پرندگان

ستاره + ان = ستارگان

دنده + ان = دندگان

نکته: واج‌های میانجی عبارتند از: ج، ک، گ، آ، و، ی

نیا + ان = نیاکان (واج میانجی ک)

سبزی + ات = سبزیجات (واج میانجی ج)

آشنا + ان = آشنایان (واج میانجی ی)

نویسنده + ان = نویسندگان (واج میانجی گ)

درس چهارم

سفر شگفتن

توصیه های مهم درس:

- 1: قدر وقت و لحظه ها را بدانیم. و از آن بهترین بهره را ببریم.
- 2: از گذشتن آن حسرت و افسوس نخوریم
- 3: گذرگاه زندگی پر است از راه های طولانی و پر از خوشی و ناخوشی است.
- 4: باید راه درست سفر کردن را بیاموزیم و مهارت های لازم را بدست بیاوریم و با اعتماد و توکل به خدا زندگی را پر از شادابی کنیم.
- 5: آشنایی با مهارت های زندگی



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد